

بررسی تاثیر شهرنشینی بر اعتماد اجتماعی در بین افراد پانزده سال به بالای شهرستان محمودآباد

هدایت‌الله نیک‌خواه، سهیل صادقی*^۲

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی-دانشگاه هرمزگان

چکیده

مقاله حاضر به بررسی این سوال اساسی می‌پردازد که آیا میانگین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن بین شهرنشینان و روستاییان از لحاظ آماری تفاوت معنادار وجود دارد؟ چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر دیدگاه لوئیس ویرث، زیمل، تونیس و گیدنز است. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آن بر عهده دارد. در این تحقیق، اعتماد اجتماعی در سه سطح اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است. به منظور بررسی تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در شهرستان محمودآباد، ۴۰۰ نفر از افراد بالای ۱۵ سال که ۲۰۰ مورد از آن به شهر و ۲۰۰ مورد به روستا اختصاص داده شده است به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. این تحقیق به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است و داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از

روش‌های آماری مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پس از جمع آوری داده‌ها، جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های تفاوت میانگین‌ها (تحلیل واریانس و آزمون t) با استفاده از نرم افزار SPSS اقدام شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که میانگین اعتماد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی در بین شهرنشینان و روستاییان تفاوت معناداری وجود ندارد و از بین ابعاد فرعی در اعتماد نهادی تنها اعتماد به نهادهای مذهبی در میان روستاییان بیشتر از شهرنشینان است. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که میانگین اعتماد اجتماعی بین شهرنشینان و روستاییان تقریباً یکسان است.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی، اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی

مقدمه و بیان مساله

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همستگی اجتماعی و نیز حفظ آن بر عهده دارد (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۱). تعریف اعتماد با توجه به رشته‌های تخصصی علوم اجتماعی متفاوت است. اما می‌توان گفت از نظر کارشناسان اجتماعی اعتماد دید مثبت داشتن نسبت به دیگران و اظهار دوستی و محبت و کمک به آنان است. در این صورت است که انسان‌ها درک خواهند کرد که کسانی هستند تا نیازهایشان را برآورده کرده و به آنها اعتماد داشته باشند. در واقع این احساس پایه گذار اعتماد اجتماعی است، زیرا اعتماد خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه واسطه آن احساس اعتماد اولیه فرد نسبت به دیگران است. از نظر تردی گویر^۱ اعتماد اجتماعی حسی است که باعث تعاون می‌شود و فقط در این حالت است که انسان در عین تفاوتها قادر به حل مشکلات خواهد بود (قریشی و صداقت، ۱۳۸۸: ۸۲). اعتماد اجتماعی در یک جامعه پایه تعاملات اجتماعی است. در واقع ارتباط ناب و سالم در یک جامعه منوط به اعتماد متقابل اعضای جامعه است و این اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با

صمیمیت افراد دارد. اعتماد شیرازه پیوند دهنده افراد یک جامعه به همدیگر است که از انفصال و پراکنده شدن افراد جلوگیری می‌کند. در بحث آسیب‌ها و مسایل اجتماعی مبحث اعتماد اجتماعی از اهمیت برخوردار است، زیرا بسیاری از مسایل و انحرافات در یک جامعه را می‌توان در عدم اعتماد افراد جامعه به یکدیگر و بی‌اعتمادی به سازمان‌ها و ساختار جامعه یافت. می‌توان اذعان کرد در جامعه‌ای که اعتماد در آن وجود ندارد همکاری و تعاون نیز رنگ خواهد باخت، زیرا اعتماد اجتماعی در جامعه افراد را به داشتن ارتباطات متقابل تشویق می‌کند. به همین خاطر اعتماد را عاملی در جامعه می‌دانند که زمینه را برای مشارکت و همکاری اعضا مهیا می‌کند و فقط در این شرایط است که افراد جامعه علیرغم تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات خواهند بود در واقع یکی از عوامل و عناصر کلیدی و ضروری برای گسترش و دوام مناسبات اجتماعی اعتماد است. بدون اعتماد امکان گسترش مناسبات اجتماعی فراهم نمی‌شود (مجدی، ۱۳۸۳: ۳۰۴). اعتماد از گذشته‌های دور در جوامع انسانی نقش ایفا کرده است، اما در دوران کنونی به دلیل گسترش پدیده‌هایی همچون شهرنشینی به نقش و اهمیت آن افزوده شده است. گفتنی است در جوامع گذشته یا سنتی، اعتماد بین شخصی بیشتری در بین مردم وجود داشته است. در آن جوامع احتمالاً نیازی به ابعاد گسترده تر اعتماد نبوده است، زیرا مردم بیشتر با کسانی ارتباط داشتند که به نوعی با آنها آشنا بوده‌اند (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). اما شهرنشینی امروزه به سبک غالب زندگی در جهان و ایران تبدیل شده است. افراد شهرنشین در زندگی روزمره، ناگزیر از تعامل با تعداد زیادی از افرادی هستند که آنها را نمی‌شناسند، اما بنا به ضروریات زندگی، بخشی از آرامش و رفاه خود را به آنها می‌سپارند. هنگامی که سوار تاکسی می‌شویم از خود می‌پرسیم که آیا راننده کرایه منصفانه ای از ما می‌گیرد؟ به بازار برای خرید می‌رویم و در مورد قیمت کالا با مغازه دار چانه می‌زنیم و عاقبت با تردید نسبت به قیمت واقعی کالا، به خرید می‌پردازیم؛ به اداره مراجعه می‌کنیم و مطمئن نیستیم که فرد مسئول، کار ما را به درستی انجام می‌دهد یا خیر؛ از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنیم چون نسبت به پرداختن آن توسط سایر شهروندان مظنون هستیم و بیم آن داریم که جزو معدود کسانی باشیم که مالیات می‌پردازیم (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۱). از نظر گیدنز اعتماد در جوامع مدرن بیشتر مبتنی بر اعتماد غیر شخصی است. در این میان در

روستاهایی که تا حدودی همچنان توانسته‌اند ارزش‌های سنتی خود را حفظ کنند اعتماد بین شخصی رواج بیشتری دارد، اما شهرنشینان در مناطق شهری بیشتر اعتماد تعمیم یافته و نهادی را تجربه می‌کنند. بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به این سوال پاسخ داده شود که تاثیر شهرنشینی بر روی اعتماد اجتماعی شهروندان چگونه است؟ یا به عبارت دیگر شهرنشینی تا چه اندازه بر روی اعتماد اجتماعی افراد تاثیر گذار است؟

پیشینه تجربی تحقیق

- حقیقتیان (۱۳۹۱) تحقیقی را با عنوان "بررسی تاثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر" انجام داده است که جامعه آماری آن شامل شهروندان ساکن بوشهر و دیر بوده است. حجم نمونه ۳۹۷ نفر (۲۰۰ نفر از بوشهر و ۱۹۷ نفر از دیر) و روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده است. روش تحقیق پیمایش و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شهرنشینی بر روی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی افراد تاثیر منفی و معنی‌داری داشته است.

- کتابی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان "سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری" به انجام رسانیده‌اند. جامعه آماری تحقیق شهروندان ۶ شهر مرکز استان چهار محال و بختیاری بوده است. حجم نمونه این تحقیق ۶۱۲ نفر و روش نمونه‌گیری، منطبق متناسب است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان اعتماد بنیادی و بین شخصی در میان شهروندان در حد بالا بوده و در بقیه انواع اعتماد در حد متوسط و پایین تر از متوسط قرار دارند. به عبارتی دیگر از لحاظ اعتماد بنیادی و بین شخصی که بیشتر در روابط اولیه و مبتنی بر شناخت است شهرنشینان دارای میزان اعتماد بالایی هستند و در بقیه انواع اعتماد که شامل روابط غیر شخصی، اعتماد عمومی و اعتماد به مشاغل و مناصب است میزان اعتماد متوسط و پایین تر از حد متوسط است.

- قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۸۹) تحقیقی را با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی تاثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)" به انجام رسانده‌اند که جامعه آماری آن کلیه افراد بالای ۱۵ سال شهر اصفهان است. حجم نمونه ۳۸۴ نفر و روش

نمونه گیری، سهمیه‌ای است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شهرنشینی بر روی اعتماد بین شخصی افراد تاثیر منفی و معنی‌داری نداشته است.

- افشانی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی را تحت عنوان "اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل" را به انجام رسانده‌اند که جامعه آماری آن کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر یزد است. حجم نمونه ۲۸۸ نفر است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی ۱۷,۴ درصد پاسخ‌گویان شهرنشین شهر یزد در حد کم، ۶۴,۴ درصد در حد متوسط و ۱۳,۵ درصد در حد زیاد است.

- هزار جریبی و شالی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان" نتایج دو پیمایش ملی در خصوص اعتماد اجتماعی در شهرهای تهران، قزوین و قم را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق تجزیه و تحلیل عاملی گویه‌ها نشان داد که گویه‌های مربوط به اعتماد بین شخصی در یک عامل جمع شده و با هم همبستگی بالایی دارند و گویه‌های مربوط به اعتماد به گروه‌ها و اصناف اجتماعی مختلف و رسانه به عنوان عامل دوم از همبستگی بالایی برخوردارند و به این ترتیب می‌توان از اعتماد بین شخصی با عنوان عامل اعتماد به گروه‌های خودی و گروه دوم با عنوان اعتماد به گروه‌های غیر خودی یاد کرد. نتایج تحقیق نشان داد در میان شهروندان میانگین میزان اعتماد به گروه اول (گروه‌های خودی) به مراتب بیشتر از گروه دوم (گروه‌های غیر خودی) بوده است.

- ولش و همکاران (۲۰۰۵) با تاکید بر وجه ارتباطی اعتماد به بررسی ادبیات موجود در مورد نوع دوستی شهروندان پرداخته‌اند. به نظر آنها نوع دوستی و اعتماد خاستگاه‌های مشابهی دارند. آنها با بررسی آثار موجود در رهیافت جامعه‌شناختی به این نتیجه می‌رسند که در این سنت عواملی چون تعامل، تعهد اخلاقی، قابل اعتماد بودن، روابط اجتماعی، همکاری و آشنایی موجب اعتماد و سرمایه اجتماعی‌اند.

- طبق تحقیقات زتومکا (۲۰۰۵) در طول دوران حاکمیت کمونیسم در لهستان شاهد گسترش اعتماد در حوزه خصوصی (اعتماد نسبت به اعضای خانواده دوستان آشنایان) گسترش عدم اعتماد به حوزه عمومی (نسبت به رژیم حزب سیاسی حاکم، هیئت حاکمه، نخبگان سیاسی، مقامات اجرایی، پلیس و نظایر آن) بوده ایم. در این راستا در بین افراد جامعه معمولاً

تفاوت‌های فاحشی در اعتماد نسبت به سمت‌ها نقش‌ها نهادها و سازمان‌ها بوجود می‌آید. در لهستان با این که نهادها در حوزه عمومی قرار داشتند ارتش قبلی بیشتر از پلیس و پارلمان بیش از حزب سیاسی حاکم مورد اعتماد بوده است و اگرچه افراد در حوزه خصوصی بودند اعضای خانواده مورد اعتمادتر از همکاران اداری و دوستان بیش از همسایگان مورد اعتماد بودند.

چارچوب نظری

تونیس در کتاب خود، "اجتماع و جامعه"، به تقابل دو نوع زندگی گمن‌شافت یا اجتماع که ویژگی‌های اجتماعات کوچک است با جامعه یا گزل‌شافت که ویژگی شهرهای بزرگ است پرداخت. تونیس در بحث از اجتماع و جامعه معتقد است که یک اجتماع در اثر نوعی توافق احساس یا عاطفه افراد وحدت می‌یابد در صورتی که یک جامعه با توافق عقلانی به یگانگی می‌رسد. براساس منطق تونیس، روابط مبتنی بر اعتماد تنها در اجتماع وجود دارد. به نظر او اعتماد به طور مصنوعی ایجاد نمی‌گردد، اعتماد مبنای انسجام اجتماعی است و ارزش‌های دینی و اخلاقی، آن را تقویت می‌کنند که به نوبه خود روابط را تسهیل می‌کند. در مقابل، افراد خود محور و حسابگر مدرن، نمی‌توانند مورد اعتماد قرار گیرند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

زیمیل از جمله نظریه پردازانی است که به بررسی تجربه زندگی شهری در عصر جدید پرداخت. زیمیل در مقاله خود به نام کلان شهر و حیات ذهنی در جست و جوی درک این موضوع بود که تجربه زندگی در شهر چه تاثیری بر نحوه تفکر و رفتار مردم دارد. او معتقد بود که دو ویژگی مهم در حیات شهری بر تفکر و رفتار مردم ساکن در شهر موثر است: ۱) شدت محرک‌های مربوط به اعصاب و تهییج در شهر؛ ۲) حاکمیت آثار بازار بر روابط شهری. به اعتقاد زیمیل، ویژگی خاص شهر مدرن این است که در آن محرک‌های عصبی تشدید می‌شوند و ساکنان شهر باید بتوانند بر آن غالب شوند. بر خلاف روستا (که زندگی در آن خیلی آرام و کند است)، شهر دائما فرد را با انواع صداها، تصاویر و بوهای مختلف احاطه می‌کند تا فرد بتواند در مقابل آنها مقاومت کند و درهم شکسته نشود. فرد باید یاد بگیرد که بین محرک‌ها تفاوت قائل شود یعنی به محرک‌های مهم توجه کند و نسبت به محرک‌های غیر

مهم بی توجه باشد. مردم شهر در مقایسه با روستا، پیچیده تر، عقلانی تر و محاسبه گرترند و به شدت با زمان آشنا و مانوس اند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۲۳). وی معتقد است با بزرگتر شدن جامعه، فرد امکان می یابد که ویژگی شخصیتی خود را تعالی بخشد. اما آزادی او نیز در چنبر حرص و آز نظام عقلانی در شهرها روز به روز محدود و محدودتر می گردد و حسابگر، غیر احساساتی، خشک و ماشینی می شود (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱: ۴۵). به نظر زیمل فرآیندهایی نظیر تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط، سلطه روزافزون و نظایر آن سبب پیدایش دلزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی موجود در کلان شهر شده است. در حالت دلزدگی فرد قادر نیست تفاوتها را دریابد. در چنین شرایطی اهمیت زندگی از میان می رود. تمام امور و فعالیتها یکنواخت می شوند و رضایت از زندگی کاهش می یابد. احتیاط نیز از دیگر ویژگی های روابط اجتماعی در زندگی کلان شهری است. به موازات افزایش افراد، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به روابط دیگر می دهند. به اعتقاد زیمل، نتیجه چنین شرایطی ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است (تنهایی و صومعه، ۱۳۸۸: ۳۹).

لوئیس ویرث با تأثیرپذیری از گنورگک زیمل، با تأکید بر سه ویژگی اندازه جمعیت شهری، تراکم، و تنوع فرهنگی شهر، ادعا می کند که فرایند شهرنشینی بر شخصیت و روابط اجتماعی افراد شهری تأثیرات عمیقی می گذارد. به نظر ویرث، هرچقدر این سه متغیر (حجم، تراکم و ناهمگونی) شدیدتر باشند، محل مورد نظر ویژگی شهری بیشتری خواهد داشت. او معتقد بود که شهرنشینی و اجزای سه گانه (سه متغیر) آن متغیرهای مستقلی اند که شهرگرایی را به وجود می آورند. پس، منظور از شهرگرایی، رفتار و شیوه زندگی شهری است که رابطه بین آنها از نوع خطی است، یعنی هر چقدر شهر بزرگ تر، متراکم تر و ناهمگون تر باشد، شهرگرایی بیشتری بر آن حاکم خواهد بود (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۶۰). موارد زیر از جمله تأثیرات شهرنشینی بر شخصیت و روابط اجتماعی افراد شهری می - باشد که ویرث به آن اشاره کرده است:

- وجود روابط غیرشخصی، ناشناس، سطحی و ناپایدار و در نتیجه انزوای افراد در شهر به

دلیل نداشتن یا کمبود روابط شخصی و صمیمی

- وجود گروه های ثانویه (در مقابل گروه های اولیه در زندگی و روابط نزدیک روستایی)

- چندگانگی و شاخه‌ای شدن نقش‌های اجتماعی و در نتیجه افزایش شدید مبادلات اجتماعی (غیر شخصی) که سطحی شدن و ناپایداری آنها را ایجاب می‌کند.

- افزایش یافتن نهادهای تعلق اجتماعی (غیر خانوادگی و غیر قبیل‌ای) و حاشیه‌ای شدن نهاد خانواده به مشابه واحد اصلی تعلق و انسجام اجتماعی. بر اساس دیدگاه ویرث نتیجه تأثیرات متفاوت و گوناگون شهرنشینی روی افراد، سطحی شدن روابط، کاهش اعتماد، پذیرش رفتارهای نامتجانس با سنت‌ها و هنجارهای رایج، تنها و متکی به خودشدن افراد است (حقیقتیان، ۱۳۹۱: ۴۳).

گیدنز بخش عمده‌ای از بحث‌های خود را به تحلیل الگوی اعتماد در دوران پیش از مدرن و پس از آن اختصاص داده است. از نظر گیدنز اعتماد به سه صورت خود را نشان می‌دهد یا به عبارتی دیگر، سه نوع است: اول اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا، دوم اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان و سوم اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها. از نظر گیدنز اعتماد اجتماعی شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی است و از مولفه‌های مدرنیت می‌باشد. در فرهنگ‌های سنتی چهار زمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی یا دین در ارتباط با اعتماد غالب هستند. طبق نظر گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می‌داند که رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. گیدنز اعتماد را در جوامع دوره پیش از مدرن و دوره مدرن نه تنها متفاوت، بلکه در تضاد با یکدیگر می‌داند. به عبارت دیگر، می‌توان برای فرهنگ هر یک از این جوامع، از محیط‌های اعتماد و محیط‌های مخاطره یاد کرد. در دوره پیش از مدرن، اعتماد محلی از اهمیت زیادی برخوردار بوده که این امر زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می‌دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام‌های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز دارای ویژگی از جاکندگی یا بی‌ریشگی در دنیای مدرن هستند (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۵). از دید گیدنز اعتماد در نظام‌های مدرنیت‌متاخر، اعتماد

غیر شخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر بی توجهی مدنی، جنبه بنیادی روابط اعتماد بین فردی است که از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاع ریشه گرفته است. در این شرایط، جلب اعتماد به جای حفظ اعتماد در نظام‌های گذشته اهمیت اساسی می‌یابد. در عین حال، وجه عمده اعتماد پایبندی به نظام‌های انتزاعی و به ویژه به نظام‌های تخصصی است (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۶).

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین شهرنشینان و روستاییان به لحاظ اعتماد بین شخصی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان اعتماد بین شخصی روستاییان بیشتر از شهرنشینان است.
- ۲- بین شهرنشینان و روستاییان به لحاظ اعتماد تعمیم یافته تفاوت معناداری وجود دارد و میزان اعتماد تعمیم یافته شهرنشینان بیشتر از روستاییان است.
- ۳- بین شهرنشینان و روستاییان به لحاظ اعتماد نهادی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان اعتماد نهادی شهرنشینان بیشتر از روستاییان است.
- ۴- بین شهرنشینان و روستاییان به لحاظ اعتماد اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان اعتماد اجتماعی شهرنشینان کمتر از روستاییان است.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش روش کمی است و تکنیک مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر محمودآباد تشکیل می‌دهند که تعداد آن بر اساس گزارش سایت آمار ۷۱۲۲۰ نفر است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تقریباً ۳۸۳ نفر برآورد شده است که جهت کاهش خطای ناشی از نمونه‌گیری، به ۴۰۰ مورد افزایش یافته است. از کل نمونه‌های گرفته شده ۲۰۰ مورد به روستا و ۲۰۰ مورد دیگر به شهر اختصاص یافته است. شیوه نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چندمرحله‌ای است.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر وابسته این تحقیق در نظر گرفته شده است. اعتماد اجتماعی، عبارت است از نگرش مثبت فرد نسبت به سایر اعضای جامعه. اعتماد مبین ارزیابی از پدیده‌ای است که با آن مواجه ایم. به عبارت دیگر اعتماد احساسی است که فرد یا افراد درباره چیزی تایید شده دارند (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸: ۵۰). در این تحقیق برای متغیر اعتماد اجتماعی ۳ بعد در نظر گرفته شده است: اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی. تمامی گویه‌های مربوط به ابعاد متفاوت اعتماد اجتماعی به صورت طیف لیکرت تنظیم شده است که دارای شش پاسخ (اصلاً، خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد) است.

اعتماد بین شخصی

اعتماد متقابل بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد و اعتماد حداقل بین دو نفر است. اعتماد متقابل بین شخصی را میتوان به معنی داشتن حسن ظن فرد نسبت به سایر افراد جامعه اعضای شبکه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل هر چه بیشتر روابط اجتماعی فرد با آنها و در نتیجه تقویت و تداوم رابطه میگردد. محدوده اعتماد بین شخصی اعضای خانواده، خویشاوندان و گروه دوستان است و میتوان گفت که ویژگی مهم اعتماد بین شخصی این است که در یک فضای تعاملی نسبتاً محدودی صورت میگیرد، در نتیجه شعاع آن محدود است (هزار جریبی و شالی، ۱۳۸۸: ۲۹). در این تحقیق برای بررسی اعتماد بین شخصی پاسخگویان از گویه‌هایی از قبیل: اعتماد به خانواده، دوستان، خویشاوندان، همسایگان و همکاران استفاده شده است.

اعتماد تعمیم یافته

اعتماد اجتماعی تعمیم یافته ماده خام جامعه مدنی است که از بین کنش متقابل مردم بوجود می‌آید. اگر با این رویکرد نگاه کنیم، باید خاطر نشان ساخت که سرمایه اجتماعی بین شخص خاص یا بین ساختارهای اجتماعی قرار ندارد، بلکه در فضایی مابین مردم قرار دارد و سرمایه

اجتماعی یک پدیده از پائین به بالا است آن با شکلگیری پیوند و شبکه‌های اجتماعی مردم بر مبنای اصول اعتماد، معامله متقابل (بده بستان) و هنجارهای کنش بوجود می‌آید (هزار جریبی و شالی، ۱۳۸۸: ۳۰). برای سنجش اعتماد تعمیم یافته در این تحقیق سه بعد فرعی آن (اعتماد به کنشگران سیاسی، اعتماد به کنشگران آموزشی و اعتماد شهروندی) مد نظر قرار گرفت. برای سنجش بعد کنشگران سیاسی ۵ گویه، برای سنجش بعد کنشگران آموزشی ۲ گویه و برای سنجش بعد شهروندی ۸ گویه طرح گردید که تمامی این گویه‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

اعتماد نهادی

اعتماد نهادی که با نام‌های اعتماد به نظام یا سیستم و اعتماد رسمی نیز از آن یاد میشود. در این نوع از اعتماد، امین دیگر صورت شخصی ندارد و اعتماد متوجه ساختارهای غیر شخصی است. البته این ساختارها در سطح خرد از افراد مشخصی شکل گرفته‌اند، اما این افراد با توجه به ساختاری که در آن قرار گرفته‌اند، تعریف می‌شوند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۳). در این تحقیق منظور از اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، خدماتی و سیاسی است. ابعاد فرعی تر و گویه‌های طرح شده جهت سنجش متغیر اعتماد اجتماعی در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول (۱) تعریف عملیاتی اعتماد اجتماعی

ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	گویه‌ها
بین شخصی	-	اعتماد به: اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران
تعمیم یافته	کنشگران سیاسی	اعتماد به: رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای شورا اسلامی شهر و روستا، مدیران ارشد استان مانند استاندار، شهردار
	کنشگران آموزشی	اعتماد به: اساتید دانشگاه، معلمان
نهادی	شهروندان	اعتماد به مردم، صداقت مردم احتمال برگرداندن کیف گم شده، احتمال سوار کردن فرد غریبه در شب، احتمال کمک به غریبه در شب، احتمال دادن موبایل به غریبه برای استفاده، احتمال پول غرض دادن به دیگران، یکی بودن ظاهر و باطن افراد، ضایع شدن حق در صورت غفلت
	نهادهای سیاسی	اعتماد به: شورای نگهبان، بسیج، سپاه پاسداران، ارتش، احزاب سیاسی، دولت، دادگستری، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نیروی انتظامی، شورای اسلامی شهر و روستا، صدا و سیما، مطبوعات داخلی
نهادی	نهادهای آموزشی	اعتماد به: دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، دانشگاه آزاد و مراکز غیر انتفاعی، مدارس
	نهادهای خدماتی	اعتماد به: بیمارستانها و مراکز درمانی، مخبرات، اداره برق، اداره آب و فاضلاب، اداره ثبت و اسناد
	نهادهای مذهبی	اعتماد به: روحانیت، هیئت‌های مذهبی، انجمن‌های اسلامی، حوزه‌های علمیه، ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، اوقاف
	نهادهای اقتصادی	اعتماد به: بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی، کارخانه‌های تولیدی، بازار، صندوق‌های قرض الحسنه، موسسات مالی و اعتباری، بازار بورس

شهرنشینی

منظور از شهرنشینی یعنی تعداد افراد ساکن در مناطق شهری است. بدین ترتیب، منظور از شهرنشینی فرایند تمرکز جمعیت در شهرهاست. به عبارت دیگر، شهرنشینی یعنی تغییر در نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری و فرایند انتقال جمعیت به شهرها. در واقع، شهرنشینی

یک فرایند است و به لحاظ جمعیتی، یعنی افزایش در تمرکز جمعیت (تعداد و تراکم). به عبارت دیگر، در این فرایند هم تعداد نقاط متمرکز بیشتر می شود و هم تعداد افراد متمرکز در این نقاط. معمولاً شهرنشینی را به صورت درصدی از کل جمعیت کشور که در مناطق شهری ساکن هستند گزارش می کنند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲). در این تحقیق نیز افرادی که در شهر سکونت دارند به عنوان شهرنشین و کسانی که در روستا سکونت دارند به عنوان روستانشین مدنظر قرار گرفته اند.

اعتبار و پایایی ابزار تحقیق

برای پایایی متغیرها از روش پایداری درونی (ضریب آلفا) استفاده شد، یعنی با بررسی ضریب آلفای گویه های مربوط به هریک از متغیرها و محاسبه ضریب آلفای نسبتاً بالای آنها انسجام درونی بالای گویه ها را تأیید می کند. اعتبار ابزار تحقیق نیز از نوع اعتبار صوری است.

جدول (۲) ضریب پایایی متغیرها

متغیر	تعداد گویه	ضریب روایی
اعتماد بین شخصی	۵	۰,۷۴۷
اعتماد تعمیم یافته	۱۶	۰,۸۶۱
اعتماد نهادی	۳۲	۰,۹۶۶
اعتماد کل	۵۳	۰,۹۶۱

یافته های تحقیق

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی های پژوهش حاضر حاکی از آن است که از مجموع ۴۰۰ نفر که به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند، در شهر ۳۵,۸ درصد پاسخگویان، زن و ۶۵ درصد آنان مرد و در روستا ۳۶,۵ درصد پاسخگویان، زن و ۶۳,۵ درصد پاسخگویان مرد می باشند. از نظر وضعیت تاهل در شهر نیز؛ ۵۱ درصد پاسخگویان مجرد، ۴۹ درصد متأهل و در روستا ۴۱,۵ درصد مجرد، ۵۸,۵ درصد متأهل می باشند. به لحاظ وضعیت اشتغال، در شهر

۵۳ درصد پاسخ گویان شاغل و ۴۷ درصد پاسخ گویان بیکار و در روستا ۷۶ درصد افراد شاغل و ۶۲ درصد افراد بیکار بوده‌اند.

جدول (۳) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه	شهر		روستا	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت	زن	۷۰	۳۵	۷۳	۳۶,۵
	مرد	۱۳۰	۶۵	۱۲۷	۶۳,۵
وضعیت تاهل	مجرد	۱۰۳	۵۱	۸۳	۴۱,۵
	متاهل	۹۷	۴۹	۱۱۷	۵۸,۵
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۰۶	۵۳	۷۶	۳۸
	بیکار	۹۴	۴۷	۱۲۴	۶۲

جدول (۴) تفاوت میانگین اعتماد بین شخصی بر حسب محل سکونت

متغیر	گروه	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	میزان t	سطح معنی داری
محل سکونت	شهری	۲۰۰	۳,۰۸	۳۹	-0.134	۰,۸۹۴
	روستایی	۲۰۰	۳,۰۹			

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین اعتماد بین شخصی افراد ساکن در شهر (برابر با ۳/۰۸) با افراد ساکن در روستا (برابر با ۳/۰۹) چندان متفاوت نیست. سطح معناداری آزمون t نیز حاکی از آن است که تفاوت نمرات کسب شده دو گروه در گویه‌های مربوط به اعتماد بین شخصی، معنادار نیست و این بدین معناست که میزان اعتماد بین شخصی روستاییان و شهرنشینان در جامعه آماری، تقریباً یکسان است.

جدول (۵) تفاوت میانگین اعتماد تعمیم یافته بر حسب محل سکونت

بعد اصلی	ابعاد فرعی	گروه	فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
اعتماد تعمیم یافته	کنشگران سیاسی	شهر	۲۰۰	۲/۰۴	-۱/۲۳	۰/۲۱
		روستا	۲۰۰	۲/۲۰		
	کنشگران آموزشی	شهر	۲۰۰	۲/۹۸	۰/۵۲	۰/۵۹
روستا		۲۰۰	۲/۹۱			
اعتماد تعمیم یافته کل	شهروندان	شهر	۲۰۰	۱/۹۵	-۰/۷۴	۰/۴۵
		روستا	۲۰۰	۲/۰۱		
اعتماد تعمیم یافته کل		شهر	۲۰۰	۲/۳۲	-۰/۵۷	۰/۵۶
		روستا	۲۰۰	۲/۳۷		

یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که اگرچه میزان اعتماد تعمیم یافته در ابعاد مختلف و کل به غیر از (کنشگران آموزشی) پاسخگویان ساکن روستا بیشتر از پاسخگویان ساکن شهر است، اما این تفاوت معنادار نیست. و در تمامی موارد میزان اعتماد تعمیم یافته دو گروه در جامعه آماری یکسان است. پس تفاوت معنی داری بین روستانشینان و شهرنشینان از لحاظ اعتماد تعمیم یافته در جامعه آماری تحقیق وجود ندارد.

جدول (۶) تفاوت میانگین اعتماد نهادی بر حسب محل سکونت

بعد اصلی	بعد فرعی	گروه	فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
اعتماد نهادی	نهادهای سیاسی	شهر	۲۰۰	۲,۲۹	-۰,۸۱۸	۰,۴۱
		روستا	۲۰۰	۲,۳۸		
اعتماد نهادی	نهادهای آموزشی	شهر	۲۰۰	۲,۵۰	۰,۶۶۹	۰,۵۰
		روستا	۲۰۰	۲,۴۲		
اعتماد نهادی	نهادهای خدماتی	شهر	۲۰۰	۲,۴۵	-۰,۶۰۸	۰,۵۴
		روستا	۲۰۰	۲,۵۲		
اعتماد نهادی	نهادهای مذهبی	شهر	۲۰۰	۲,۳۱	-۲,۷۱۹	۰,۰۰۷
		روستا	۲۰۰	۲,۶۸		
اعتماد نهادی	نهادهای اقتصادی	شهر	۲۰۰	۲,۲۱	-۰,۱۳۳	۰,۸۹
		روستا	۲۰۰	۲,۲۲		
اعتماد نهادی کل		شهر	۲۰۰	۲,۳۵	-۰,۹۰۶	۰,۳۶
		روستا	۲۰۰	۲,۴۵		

یافته‌های جدول شماره ۶ حاکی از آن است که از بین ابعاد مختلف اعتماد نهادی تنها اعتماد به نهادهای مذهبی روستاییان (۲,۶۸) به طور معناداری بیشتر از اعتماد به نهادهای مذهبی شهرنشینان (۲,۳۱) است. در سایر ابعاد تفاوت مشاهده شده معنادار نیست. همچنین باید اضافه نمود که اگرچه در نمونه آماری، میزان اعتماد نهادی روستاییان (۲,۴۵) بیشتر از میزان اعتماد نهادی شهرنشینان (۲,۳۵) است، اما این تفاوت معنادار نیست. بدین معنا که اعتماد نهادی روستاییان و شهرنشینان در جامعه آماری تحقیق تقریباً یکسان است.

جدول (۷) تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی بر حسب محل سکونت

متغیر	گروه	فراوانی	میانگین	میزان t	سطح معنی داری
محل سکونت	شهری	۲۰۰	۲,۵۸	-۰,۷۰	۰,۴۸۰
	روستایی	۲۰۰	۲,۶۴		

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که اگرچه میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان ساکن روستا بیشتر از پاسخگویان ساکن شهر است، اما این تفاوت معنادار نیست. و این بدان معناست که میزان اعتماد اجتماعی دو گروه در جامعه آماری یکسان است.

بحث و نتیجه گیری

اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعاملات اجتماعی و کنش‌های متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و همبستگی اجتماعی و نیز حفظ آن بر عهده دارد. تحقیق حاضر به منظور بررسی تاثیر شهرنشینی بر اعتماد اجتماعی شهروندان انجام شد. این پژوهش در بین افراد بالای ۱۵ سال شهرستان محمودآباد صورت گرفته است. حجم نمونه این تحقیق بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر است که به منظور بررسی تاثیر شهرنشینی بر اعتماد ۲۰۰ مورد از نمونه به شهر و ۲۰۰ مورد به روستا اختصاص داده شده است. شیوه نمونه گیری تحقیق نیز خوشه‌ای چند مرحله‌ای

است. در چارچوب نظری تحقیق از نظریه‌های لوئیس ویرث، زیمل، تونیس و گیدنز استفاده شده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان اعتماد بین شخصی روستاییان و شهرنشینان تفاوت معنادار وجود ندارد. هرچند میزان اعتماد بین شخصی در میان روستاییان بیشتر از شهرنشینان بوده است اما تفاوت مشاهده شده بین دو گروه مذکور معنادار نمی باشد. لذا می توان گفت فرضیه شماره یک تحقیق (تفاوت میزان اعتماد بین شخصی روستاییان و شهرنشینان) رد می شود. این یافته با نتایج تحقیقات امیری (۱۳۸۶) در اصفهان، هزار جریبی و شالی (۱۳۸۸) در قم و قزوین و حقیقتیان (۱۳۸۹) در بوشهر همخوانی دارد.

از فرضیات دیگر تحقیق این بوده است که بین شهرنشینان و روستاییان از لحاظ اعتماد تعمیم یافته تفاوت معنی دار وجود دارد و میزان اعتماد تعمیم یافته شهرنشینان به نظر بیشتر است، اما با بررسی اعتماد تعمیم یافته در نمونه مورد بررسی تفاوت معنادار بین دو گروه شهرنشین و روستا نشین از نظر اعتماد تعمیم یافته مشاهده نشده است. به عبارت دیگر؛ میزان اعتماد تعمیم یافته شهرنشینان و روستاییان تقریباً یکسان است. لذا فرضیه مذکور رد می شود.

از نتایج دیگر تحقیق این است که میزان اعتماد به نهادهای مذهبی در بین روستاییان به طور معناداری بیشتر از شهرنشینان است، اما در سایر ابعاد اعتماد نهادی تفاوت مشاهده شده بین دو گروه مذکور معنادار نمی باشد. لذا می توان گفت فرضیه شماره ۳ تحقیق (معنادار بودن تفاوت میزان اعتماد نهادی روستاییان و شهرنشینان) نیز رد می شود. همچنین؛ در اعتماد اجتماعی کل نیز اگرچه میزان اعتماد کل در میان روستاییان بیشتر از شهرنشینان است، اما این تفاوت معنادار نمی باشد که این یافته، فرضیه شماره چهار را رد می کند.

نتایج تحقیق حاضر در مجموع نشان می دهد که شهرنشینی باعث کاهش میزان اعتماد بین- شخصی افراد نمی شود. همچنین؛ اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و نهادی شهرنشینان و روستاییان نیز تقریباً یکسان است. لذا می توان گفت که این تئوری گیدنز که اعتماد بین - شخصی روستاییان بیشتر از شهرنشینان و اعتماد تعمیم یافته و نهادی شهرنشینان بیشتر از روستاییان است، رد می شود. شاید بتوان دلیل چنین امری را در گسترش ارتباطات و تعاملات بین شهر و روستا و افزایش مراودات بین اهالی شهر و روستا جست و جو کرد که نتیجه آن

کاهش تفاوت‌ها و یکسان‌سازی افراد شهرنشین و روستانشین است. البته در این میان، تاثیر رسانه‌های جمعی نیز غیرقابل انکار است. همچنین، این تئوری زیمل، تونیس و ویرث که میزان اعتماد اجتماعی شهرنشینان کمتر از روستاییان است نیز رد می‌شود. چرا که تفاوت مشاهده شده دو گروه در اعتماد اجتماعی معنادار نیست.

منابع

- ۱- افشانی، سید علی رضا (۱۳۸۹)، پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۹، صص: ۲۱۷-۱۸۵.
- ۲- حسینی، علی اصغر (۱۳۸۹) بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهر بابل)، ماهنامه معرفت، شماره ۱۵۱، صصک ۳۱-۴۲.
- ۳- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۱) بررسی تاثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی در شهر بوشهر (آزمون نظریه لوئیس ویرث)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره ۸، صص ۵۰-۳۹.
- ۴- حیدر آبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹) اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی ° فرهنگی موثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران)، جامعه شناسی مطالعات جوانان، شماره ۱، صص ۳۹-۶۶.
- ۵- حضرتی صومعه، زهرا و ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۸) بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، فصلنامه علوم رفتاری، شماره ۱، صص ۲۹-۵۲.
- ۶- شارع پور، محمود (۱۳۸۹) جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- شارع پور، محمود و رازقی، نادر و غلام زاده، خلیل (۱۳۸۹) بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۱، صص: ۶۳-۷۶.
- ۸- قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۸۹) تبیین جامعه شناختی تاثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۲، صص: ۴۶-۲۱.

- ۹- قریشی، فخرالسادات و صداقت، کامران (۱۳۸۸) بررسی نقش عوامل فرهنگی^۰ اجتماعی مرتبط بر شکل گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴، صص: ۷۵^۰ ۱۰۲.
- ۱۰- کتابی، محمود و ادیبی سده، مهدی و قاسمی، وحید و صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۹)، سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴، صص: ۹۷-۱۲۲.
- ۱۱- مجدی، علی اکبر (۱۳۸۳) پاسخ گویی و نقش آن در تقویت اعتماد اجتماعی، فصلنامه اندیشه حوزه، شماره ۴- ۳، صص ۳۱۲-۳۰۳.
- ۱۲- محسنی تبریزی، علی رضا و معیدفر، سعید و گلابی، فاطمه (۱۳۸۹) بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۱، صص: ۷۰- ۴۱.
- ۱۳- معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸) اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر ارومیه)، فصلنامه جامعه شناسی تاریخی، شماره ۱، صص ۴۷-۶۷.
- ۱۴- منصوریان، کریم و قدرتی، حسین (۱۳۸۸) اعتماد اجتماعی و تعیین کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه محور؟، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۲، صص: ۱۸۹-۲۱۴.
- ۱۵- وحید، فریدون و نگینی، سمیه (۱۳۹۱) ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله ای، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۲، صص: ۳۵-۵۸.
- ۱۶- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸) بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴، صص ۳۸-۱۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی